

روایت سینمایی  
«شیدا» روی آنتن

«شیدا» به کارگردانی کمال تبریزی و نویسندگی رضا مقصودی محصول سال ۱۳۷۷ است. در این فیلم پارسا پیروزفر، لیلیا حاتمی، محمدرضا شریفی‌نیا، بهزاد فراهانی، کمند امیرسلیمانی، زهرا سعیدی، جمشید اسماعیل‌خانی و گوهر خیراندیش ایفای نقش می‌کنند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: فرهاد هرندی (با بازی پارسا پیروزفر)، پسر منحصر به فرد خانواده‌ای مرفه در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق مشمول سربازی

شده است. پدرش (بهزاد فراهانی) با تلاش فراوان، او را به یادگانی امن و حاشیه‌ای منتقل می‌کند تا از خط مقدم دور بماند اما فرهاد پس از پایان دوره آموزشی، بدون اطلاع خانواده، داوطلب پست پیام‌رسانی می‌شود که مستلزم رفت‌وآمدهای فراوان به خط مقدم است. او در یکی از این رفت‌وآمدها از ناحیه دست، چشم و سینه مجروح شده و در بیمارستانی جنگی بستری می‌شود. در بیمارستان، پرستاری به نام شیدا فاطمی به

سفرارش مجروحی به نام رضا امانی (محمدرضا شریفی‌نیا) برای تسکین درد شدید فرهاد، برایش قرآن می‌خواند. قرأت شیدا، ساده و بدون رعایت اصول ترتیل است با این حال درد فرهاد را تسکین می‌دهد. فرهاد که چشم‌هایش را به دلیل جراحات بسته‌اند، به مرور به شیدا دل می‌بازد و برای باز شدن پانسمان چشم‌هایش و دیدن او لحظه‌شماری می‌کند... این فیلم سه‌شنبه ششم تیر ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه نمایش می‌رود.



«جام جم» از پشت صحنه سریال «فراری» گزارش می‌دهد

مبارز  
مثل مصطفی

بعضی شخصیت‌ها حتی بعد از رحلت از این دنیا، ماندگارند و بازهم دست دیگران را می‌گیرند. درست مثل شهید. روزگاری شهید صدرزاده گفته بود: «دعا کنید شهید شوم تا دستم برای کار فرهنگی باز شود.» دست شهید صدرزاده را حالا می‌توان در ساخت بسیاری از کارهای حوزه تلویزیون دید. مثل سریال «فراری» که بخش مهمی از شخصیت خود را از همین شهید وام گرفته است. سریال فراری برخلاف اطلاعاتی که تاکنون از آن بیرون آمده، برآیند زندگی یک شهید خاص نیست اما تهیه‌کننده آن می‌گوید که ۹۰ درصد این مجموعه برگرفته از شخصیت شهید صدرزاده است. بازیگرانی مثل هدایت هاشمی، نسرین بابایی، حسین رفیعی، بهار نوحیان، شهین تسلیمی، جواد خواجوی، مجید پتکی، شهرروز آقایی‌پور، افشین آقایی و حسین اوچاقلو در این مجموعه به ایفای نقش می‌پردازند. سریال فراری پیش از این در لاهیجان و لنگرود هم تصویربرداری داشت و بخشی از قصه آن هم در حاشیه تهران ضبط شده است. فراری تولید شبکه دوی سیماست و قرار است تصویربرداری آن تا پایان سال ادامه یابد و احتمالاً پخش آن در پاییز آغاز شود. گزارش پیش‌رو، روایت جام جم از پشت صحنه سریال فراری و گفت‌وگو با عوامل آن ازجمله تهیه‌کننده، کارگردان و برخی بازیگران است.

شیده اشرفی  
آگروه رسانه

## نشانی از سادگی در یک روستا

تیغ آفتاب خرداد، خودش را روی کوچه پس‌کوچه‌های روستا کشانده. باید دست را سبایان کنی تا بتوانی کمی بالاتر را ببینی و نشانی مدرسه را پیدا کنی. تا کسی از یک کوچه رد می‌شود و چند مرد خسته و نشسته در سایه پایین مغازه، رد نگاه‌شان به تا کسی می‌افتد و همزمان، بادبزین حصیری در دست‌شان چرخ می‌خورد تا این هوای دم‌کرده را قدری تلطیف کند. نشانی مدرسه را از یکی‌شان می‌پرسم. قوز دماغش را می‌خوانند و بایی حالی دستش را به سمت راست می‌گردانند. رد نگاهش را به سمتی می‌برد که باید بفهمیم نشانی لوکیشن همان جاست. گرمای ظهر در این روستا در پنج کیلومتری شهری، آن قدر زیاد است که هر موجود زنده‌ای را ببینی، به سایه پناه برده است. در پیچ و تاب این روستاست که مدرسه پسرانه از دور خودش را نشان می‌دهد. مدرسه پسرانه‌ای در روستای گل حصار و در ۵ کیلومتری شهری که لوکیشن تازه سریالی در حوزه کودک و نوجوان است. چند نفر از پسرهای انگار که از کار تصویربرداری راحت شده‌اند، بیرون در ایستاده‌اند و همانان تازه را نگاه می‌کنند. آجر به آجر این مدرسه و خانه‌های اطرافش ساده است و شباهتی به دنیای مدرن شهری ندارد. حیاط مدرسه را که پشت سر بگذاری و قدری به سمت چپ بپیچی، کلاس‌های مدرسه خودش را نشان می‌دهد که باد خنکش را به آن هوای دم‌کرده می‌ریزد. شاید ابتدا تصور کنی اینجا کلاس درس است و یک روز معمولی در جریان است. اما بین همه ناباب‌زنگرها، می‌توان چهره‌های آشنایی مثل هدایت هاشمی و حسین رفیعی را هم پیدا کرد. دست‌های بالا رفته صدابردار و صدای بلند «سه، دو، یک» دستیار کارگردان، نشان از آن دارد که کار آغاز شده و تصویربرداری از مدرسه در حال انجام است تا روایت سریال فراری را آماده پخش کند. تصویربرداری با ادامه ضبط یک سکانس در کلاس مدرسه ادامه می‌یابد. نوجوان‌های بسیاری اینجا بازی می‌کنند تا روایت نوجوانی هادی، شخصیت اصلی سریال فراری به خوبی بیان شود. هرچند فراری را نمی‌توان سریال مخصوص نوجوانان دانست و به گفته عوامل تولید آن، بزرگسالان هم مخاطبان آن خواهند بود.

## پشت صحنه‌ای در دفتر معلمان

کلاس کوچکی در سمت چپ و درست کنار راه‌پله هاست که از کاغذهای چسبانده به دیوارش می‌توان فهمید دفتر معلم‌های مدرسه است. پنجره‌اش رو به کوچه‌های روستا باز می‌شود و در حین صحبت با

تهیه‌کننده و کارگردان می‌توان صدای بازی بچه‌ها را در سایه کوچه پشتی مدرسه شنید.

امیر پیروزی‌ری تهیه‌کننده سریال فراری و امیر داسارگر کارگردان این مجموعه لحنه‌ای بین ضبط سریال، کار را متوقف می‌کنند تا از جزئیات آن بگویند. جزئیاتی که گاهی باعث گله کارگردان می‌شود که چرا اصلاً ابتدا اسم هادی برای این سریال بیان شد و گاهی با خاطرات شیرین کلید خوردن آن همراه می‌شود.

## سریال فراری از جنس عاشقی است

امیر پیروزی‌ری، تهیه‌کننده سریال فراری پیش از این مجموعه مینو را روی آنتن برده بود. او در مجموعه فراری، تلاش کرده روایتی درست از نسلی ارائه کند که قهرمانان بسیاری داشتند و هنوز هم می‌شود از آنها آموخت. روایت این سریال، برشی از زندگی شخصیتی به نام هادی است که از نوجوانی تا بزرگسالی او روایت می‌شود. پیروزی‌ری در گفت‌وگو به این نکته اشاره می‌کند که کار با نوجوانان در حین چالش‌های بسیار، شیرین است و همه عوامل با این سریال زندگی کرده‌اند.

پیروزی‌ری در خصوص دلیل ساخت سریال فراری به جام جم می‌گوید: این‌که می‌گویند چه شد جرقه کار زده شد، باید بگویم در مورد این کار نباید گفت جرقه بوده، واقعیت این است که بسیاری از اتفاق‌ها مقابل ما قرار می‌گیرند که شاید روزمرگی اجازه ندهد به آن توجه کنیم. به نظرم در روزگاری هستیم که فکر می‌کنیم روزهای بدون قهرمان را می‌گذرانیم و توجه نمی‌کنیم چه قهرمان‌هایی کنارمان هستند. در عین حال خلأنمایش دادن قهرمان‌های مان را هم داریم؛ در این شرایط، از شدت پرویگاندای کور، نتوانسته‌ایم به نفع مردم‌مان کار کنیم و گاهی انگار بر ضدشان کار کردیم. اتفاقی که برای گروه تولید این سریال افتاد، به نوعی یک عشق و دلبستگی بود که نمی‌توان آن را یک

ایده صرف دانست. واقعا می‌بینم که عوامل مجموعه، از این سریال مدد می‌گیرند. به همین دلیل باید گفت یک ایده ساده روزمره نیست و نمی‌توان با آن ساده برخورد کرد. من این را از جنس عاشقی می‌دانم. وی در خصوص جزئیات تصویربرداری این مجموعه هم عنوان می‌کند: از دو ماه قبل از عید تا آخر فروردین در لاهیجان مشغول تصویربرداری بودیم و طبیعت زیبایی آنجا کار را جذاب‌تر کرد. نگران بودیم که این فضا را می‌توانیم در تهران داشته باشیم یا خیر. ما قدم را برداشتیم و تلاش کردیم در تهران هم همین قدر زیبایی را مقابل دوربین قرار دهیم. پیروزی‌ری درباره خط کلی قصه این‌طور می‌گوید: هادی روایتگر قصه‌های دلبستگی یک نوجوان متفاوت است که در مسیر قهرمانی جلو می‌رود و از یک جایی به بعد، دلبستگی‌اش با دلبستگی قهرمانی از نوع دیگر، جابه‌جا می‌شود. این مسأله به شدت در فیلم‌نامه کار سختی بود که شخصیت اصلی یک امر عینی را با یک امر ذهنی جابه‌جا می‌کند و تلاشش این می‌شود که عالم را عوض کند. این مسأله به سادگی قابل

درک نیست و تفکیک کردن آن بسیار کار سختی است. در کنار قصه اصلی، قرار است یک فیلم از زندگی هادی ساخته شود. حسین رفیعی هم نقش دستیار کارگردانی را دارد که هادی را می‌بیند و دوست دارد از او فیلم بسازد. جالب این‌جاست که هادی آنجا هم طغیان می‌کند و یک آتارشی درونی دارد و در مقابل آنچه روال جامعه است طغیان می‌کند. به نظرم در نهایت چنین افرادی هستند که یک قهرمان عجیب و غریب را خلق می‌کنند. من بارها در مورد آنها گفتیم که درک می‌شوند اما وصف نمی‌شوند. روایت کردن این دست قهرمان‌ها کار سختی است. شخصیت هادی در مقابل فرصت‌هایی مثل کشتی‌گیر شدن یا ستاره فیلم شدن قرار می‌گیرد اما در مقابل همه اینها طغیان می‌کند. می‌توان گفت این قدر طغیان در زندگی او جذاب است که مسائل معنوی او را با خود می‌برد. انگاری که دنیای دیگر در جست‌وجوی این فرد است. وقتی یک نفر در راستای امر خداوند می‌رود، انگار عالم به دنبال او می‌آید.

اما بخش زیادی از زندگی هادی، برگرفته از یک شهید خاص است که پیروزی‌ری آن را این‌گونه توضیح می‌دهد: صادقانه باید بگویم شخصیت هادی وام گرفته از زندگی چند شهید است اما ۹۰ درصد آن برگرفته از زندگی یک شهید یعنی شهید مصطفی صدرزاده است. در واقع گوشه‌هایی از لحظات جذاب زندگی این شهید را گرفتیم و دراماتیزه‌تر کردیم.

شهید صدرزاده قهرمان دوران است. هر عصر و زمانه‌ای قهرمانی دارد و بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ باید قهرمانی از این دست را بشناسند. قطعاً افرادی پیدا خواهند شد که به آن خرده بگیرند اما قصه

کودک و نوجوان را  
از دست بدهیم  
جامعه را از دست دادیمشهادا موجودات  
فرازمینی نیستندذات رسانه ملی  
کار فرهنگی استکار کودک برای من  
اولویت دارد

های، زندگی شهید صدرزاده به روایت امیر داسارگر است که دلباختگی خود نسبت به این شهید را تولید کرده است.

تهیه‌کننده فراری معتقد است که مخاطب این سریال تنها کودک و نوجوان نیست. او می‌گوید، به نظرم فقط نمی‌توان کودک و نوجوان را مخاطب کار دانست چون همه گروه‌ها را در بر می‌گیرد. قصه با نوجوانی شروع می‌شود اما مخاطب آن، بزرگسالان و گروه‌های سنی دیگر هم هستند. شاید تفاوت آن با دیگر کارها این باشد که هادی را می‌توان قصه دوران دانست تا روایتی از فرزندان این عصر را به تصویر بکشد. ممکن است برخی بگویند دیگر نسل امروز دنبال چنین روایتی نیست. باید گفت شخصیت هادی به خوبی نشان می‌دهد فرزندان این دوران چگونه زندگی کرده‌اند.

وی درباره چالش‌های روایتگری برای نوجوان‌ها هم تأکید می‌کند: البته که مخاطب ما تنها نوجوانان نیستند اما در مجموع از این جهت می‌توان کار برای نوجوانان را کار پر چالشی دانست که نوجوانان امروزی با همه محصولات روز، روبه‌رو هستند و روایتگری برای آنها کار سختی است. چالش کار کردن با نوجوان‌ها به طور کلی سخت است چون قطعاً تکرارهای بسیاری را در حین ضبط باید انجام دهیم و زمان بیشتری از ما می‌گیرد. ضبط با گروهی از نوجوانان، آن هم در فصل امتحانات آنها، شیرین و در عین حال سخت است. برای معلمان آنها هم جالب بود که عوامل تولید سریال، نگران امتحانات آنها هستند. تولید برای نسل‌های بعد بسیار سخت است. از منظر شرایط تولیدی هم، روبه‌رو شدن با گروه بزرگی از نوجوانان و دور بودن آنها از خانواده، چالش‌های بسیاری دارد. وی با اشاره به نقش هدایت هاشمی و نسرین بابایی در قامت پدر و مادر هادی عنوان می‌کند: رابطه آنها و نگاه درستی که به زندگی دارند، باعث خلق قهرمانی مثل هادی می‌شود.

## مسئولیت‌پذیری شهدا را نشان می‌دهیم

امیر داسارگر، کارگردان سریال هادی تاکنون کارهایی چون منطقه پرواز ممنوع را ساخته است. او در مجموعه فراری تلاش کرده روایتی ارائه کند

## پنجره

## اعزام بچه زرنگ‌ها

مجموعه مستند داستانی «بچه‌زرنگ» با محوریت شهدای مدافع حرم در شبکه دو سیما تولید شد. محوریت داستان این سریال درباره هشت نفر از مدافعان حرم شهر مشهد است که با روشی متفاوت به مناطق عملیاتی سوریه و عراق اعزام شده و در نهایت به شهادت رسیدند. فصل دوم این مجموعه هم روی آنتن رفت.

یکی از تمایزهای برجسته این اثر، حضور تعدادی از اعضای خانواده شهدا در نقش خود یا شهید بود که حس خاصی را برای بینندگان و همچنین خود خانواده ایجاد می‌کرد. فصل دوم مجموعه تلویزیونی بچه‌زرنگ به نویسندگی عباس هادیان و طاهره ولی‌پور در ادامه فصل اول به زندگی پنج شهید مدافع حرم لشکر فاطمیین و پنج شهید مدافع حرم مشهدی پرداخت. ابوالفضل حاجتمند، تهیه‌کنندگی این مجموعه مستند نمایشی ۱۰ قسمتی را بر عهده دارد و هادی حاجتمند، محمد مهدی خالقی، حسین امانی و جواد علیزاده به‌طور مشترک کارگردانی این سریال را انجام دادند.

فصل اول سریال بچه‌زرنگ نیز به کارگردانی مشترک محمد مهدی خالقی، داوود مرادیان، جواد علیزاده و حسین امانی در رابطه با زندگینامه و نحوه شهادت هشت نفر از شهدای مدافع حرم در سوریه است.



## نماهایی از یک شهید

رسانه ملی در طول این سال‌ها سعی داشته آثار بسیاری در حوزه فیلم، سریال، مستند و برنامه تلویزیونی و پویانمایی با محوریت شهدا و قهرمان‌های ملی کشور بسازد تا هم مخاطبان این رسانه با قهرمان‌های واقعی کشورشان آشنا شوند و هم نسل امروز که شناخت کافی از آنها ندارد با تماشای این آثار به وجود چنین قهرمان‌هایی افتخار کند. یکی از این مجموعه‌ها «فراری» است که برای

آشنایی بیشتر مخاطبان با این سریال می‌توانند قاپ‌هایی از این سریال را تماشا کنند.



کیورژاندر رسانه‌های

## گزارش تصویری



## رخ

## روایت زندگی قهرمان‌ها

یکی از گونه‌های جذاب فیلمسازی، پویانمایی است که می‌توان حرف‌ها و پیام‌های مهمی را از این طریق به بچه‌ها و نسل امروز که شناخت دقیقی از زندگی قهرمان‌های کشور ندارند منتقل کرد. پویانمایی «نام‌ها» یکی از همین مجموعه‌هاست که با فرم



کمیک‌موشن ساخته شده و در چهار اپیزود متفاوت به روایت زندگی چهار قهرمان دفاع مقدس، شهید عباس دوران از فرماندهان نیروی هوایی ایران، شهید مهدی باکری از فرماندهان سپاه پاسداران، شهید مصطفی چمران از فرماندهان ایران در نبرد با عراق و شهید حسن باقری جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران می‌پردازد.

این پویانمایی توانست هم نظر بچه‌ها را به خود جلب کند و هم بزرگ‌ترها را که به نوعی با این قهرمان‌ها آشنا هستند و جنگ را نیز با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند. «نام‌ها» با بازگذاشته بخشی از واقعیت‌های زندگی قهرمان‌هایی است که برای مقابله با دشمن ایستادگی کرده و از جان خود گذشتند. این مجموعه با استقبال مخاطبان تلویزیون همراه شد.